



ویژگی‌های بانک مرکزی خوب

دکتر علی اصغر شاهمرادی

یک بانک مرکزی خوب در دنیا چه ویژگی‌هایی دارد و فاصله ما با دنیا در این زمینه چقدر است؟ شاید برای پاسخ به این سوال بهتر باشد ویژگی‌های یک بانک مرکزی بد را برشماریم. بانک مرکزی بد، بانک دولت است. به این معنی که تمام وظایفی را که یک بانک تجاری برای مردم و شرکت‌ها انجام می‌دهد، بانک مرکزی نیز برای دولت انجام می‌دهد.

می‌دانیم زمانی که حسابی در بانکی داریم، بانک هم عامل ما در پرداخت‌ها و دریافت‌های ماست و هم زمانی که نیاز به خرید چیزی داشته باشیم، می‌توانیم به آن مراجعه کنیم و از خدمات پولی و اعتباری بانک استفاده کنیم، مثلاً وامی بگیریم یا تضمینی برای خریدی انجام دهیم و مانند آن. اگر بانک مرکزی مانند یک بانک تجاری، جایی باشد که دولت گاه و بیگاه به آن مراجعه کند و از او قرض بگیرد، بدانید که با یک بانک مرکزی بد سر و کار دارید.

ویژگی بد دیگر بانک مرکزی درگیر شدن در پروژه‌های دولتی است، درست مانند یک بانک تجاری که در برخی پروژه‌های افراد و شرکت‌ها درگیر می‌شود. جدا از اینکه بانک تجاری باید از بنگاهداری فاصله بگیرد و تلاش کند تنها تامین‌کننده مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری باشد، در کشور ما بانک‌ها خود را در پروژه‌هایی گرفتار می‌کنند که ارزیابی درستی از آنها ندارند و به پشتوانه اینکه به منابع دسترسی دارند تلاش می‌کنند تا کارهایی با سودآوری به‌زعم خود بالا انجام دهند. یک بانک مرکزی بد هم می‌تواند گرفتار همین آفت شود و مثلاً منابع تامین مالی پروژه‌های دولتی را به‌عهده بگیرد یا اینکه به‌عنوان ضامن پروژه‌ها و بلندپروازی‌های دولتی نقش ایفا کند. اگر چنین بانک مرکزی را دیدید، بدانید که با یک بانک مرکزی بد سر و کار دارید. اگر بانک مرکزی شما گاهی به‌دنبال مهار تورم است و گاهی ندای رفع بیکاری سر می‌دهد، گاهی دفینه بانک مرکزی را سه‌قفله می‌کند و گاهی هزینه‌های مسکن ارزان‌قیمت را به‌عهده می‌گیرد، گاهی رئیسش هر روز مصاحبه می‌کند و گاهی ماه‌ها

و سال‌ها هیچ مطلبی منتشر نمی‌کند، اگر داده‌های تولید شده را در پیچ و خم پستوهای تاریک اداری مدفون می‌کند، بدانید که بانک مرکزی شما قطعا در شمول بانک‌های مرکزی بد است. بانک مرکزی بد، یک بانک تجاری برای دولت است. وظیفه نظارتی خود بر بانک‌ها را با تعارف می‌آمیزد و پیش از هرگونه اقدام فنی به عواقب سیاسی آن نگاه می‌کند.

گمان می‌کنم با این تعاریف می‌توان به ویژگی‌های یک بانک مرکزی خوب پی برد. مانند بسیاری، به جز تعداد انگشت‌شماری، بانک‌های مرکزی خوب، نهادهای حاکمیتی حرفه‌ای بدون هیچ وابستگی سیاسی هستند، روسای این بانک‌ها فاصله بسیار زیادی با دولت نگه می‌دارند و اهداف و روش‌های رسیدن به این اهداف را تا حد امکان با مردم و فعالان اقتصادی در میان می‌گذارند. یک بانک مرکزی خوب تحلیل‌های دقیق، روزآمد و حرفه‌ای از متغیرهای کلان اقتصادی دارد و بهترین سیاست‌ها را برای ایجاد ثبات اقتصادی که در محدوده وظایف بانک مرکزی می‌تواند به تورم پایین تعبیر شود، با مردم در میان می‌گذارد و سعی در اجرای آنها دارد.

بانک‌های مرکزی حرفه‌ای با وسواس زیادی از بانک‌های تجاری در عمل، اهداف و ابزارها فاصله می‌گیرند. اینها ناظران سرسختی برای بانک‌ها و موسسات پولی هستند. در این بانک‌ها، در ورود و خروج کارکنان بانک مرکزی از گونه درهای گردشی نیست و به ورودی و خروجی بانک‌های تجاری متصل نیستند، کارمندان این بانک‌ها تا مدت‌ها اجازه کار در بانک‌های تجاری را ندارند. در یک بانک مرکزی خوب، در اختیار گذاشتن داده‌ها و به‌روز کردن آنها و تحلیل داده‌های روزآمد بخش مهم و ناگسستنی از کار روزانه کارکنان بانک است.

تمام اطلاعات، حتی میزان ذخایر و اقلام ترازنامه را می‌توان با دقت بسیار بالایی و تواتر زیادی به‌صورت بر خط دریافت کرد. نگاهی به فهرست بلند بالای روسای بانک‌های مرکزی دنیا نشان می‌دهد که این افراد غیرسیاسی، حرفه‌ای، عمدتاً اقتصاددانان با تجربه‌های بین‌المللی و مسلط به آخرین نوآوری‌ها در زمینه بانکداری مرکزی و سیاست‌های پولی هستند. آنها قدرت اقناع فعالان اقتصادی داخلی و خارجی را دارند و زبان فنی بین‌المللی اقتصادی را با تمام ظرایف آن می‌شناسند. در

یک بانک مرکزی خوب، سیاست‌گذاری پولی مستقل از سیاست‌گذاری مالی دولت طراحی و اجرا می‌شود. بانک مرکزی خوب، نرخ ارز را ابزار مهمی برای مهار نوسانات شوک‌های خارجی می‌داند و تمام همت خود را به کار می‌گیرد که کانال انتقال سیاست پولی خود را تعمیق بخشد.

خزانه بانک مرکزی جایی است که آخرین پناهگاه بانک‌های تجاری و موسسات پولی در مواقع بحرانی است و نه اولین کیسه برای دست‌اندازی دولت یا نهادها و سازمان‌های قدرتمند سیاسی.

نویسنده اعتقاد عمیقی دارد که ساختار بانک مرکزی ما فاصله معناداری با یک بانک مرکزی خوب دارد. بانک مرکزی، همچنان مانند بانک ملی اندکی متفاوت شده است! بسیاری از وظایف بانک تجاری به بانک مرکزی تحمیل شده است و تلاش چندانی برای حرکت در مسیر تعالی و تبدیل به بانک مرکزی خوب و حرفه‌ای وجود ندارد. اما امید می‌رود بانک مرکزی به سرعت و با استفاده از تجربیات دنیا گفتمان بانکداری مرکزی را به صاحبان سیاست بفهماند و به وظیفه اصلی خود بپردازد. داستان پرفغان تجربیات دولت پیشین و صف‌های شکل گرفته در خیابان میرداماد باید زنگ هشدار باشد که قدم‌ها را استوارتر و با دقت‌تر برداریم و تبدیل به یک بانک مرکزی خوب و حرفه‌ای شویم. این آرزو چندان دور نیست.